

پژوهش نامه کاشان، شماره نهم (پیاپی ۱۷)
پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۴۱-۲۰



ابعاد کالبدی میراث کشاورزی دشت کاشان با نگاهی به کوشک‌ها و بناهای مزارع آران و بیدگل و نوش آباد

حمیدرضا جیحانی*

محمدعلی زاغیان**

زهرا کاکشپور***

وحید میرزایی گودرزی****

چکیده:

کشاورزی در منطقه کاشان از گذشته‌های دور، فعالیتی دامنه‌دار و وسیع بوده و به شکل‌گیری سنت‌ها و فنون محلی منجر شده است. سنت‌ها و فنون یادشده در ارتباط با نحوه معیشت حاصل از زراعت، سامانه‌ای را شکل داده است که به واسطه ارزش‌های آن به‌عنوان میراث کشاورزی قابل‌شناسایی است. این میراث از ابعاد کالبدی قابل توجهی برخوردار است؛ زیرا هم شکل مزارع و خصوصیات آن‌ها و هم نحوه استقرار و بناهای مرتبط با مزارع قابل توجه‌اند. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد که بسیاری از مزارع که ممکن است محصور یا بدون حصار باشند، شامل بناهایی نیز می‌شوند که درون یا گاه بیرون مزارع ساخته شده‌اند. گذشته از بناهای درون مزارع محصور که متصل به حصار نیز هستند، گونه‌هایی از کوشک‌های زراعی قابل‌شناسایی است که در میان یک مزرعه محصور و گاه میان مجموعه‌ای از مزارع غیر محصور قرار گرفته‌اند. در حال حاضر، بسیاری این ابنیه از یادها رفته‌اند و در حال تخریب‌اند. ارزش‌های مستتر در میراث کشاورزی منطقه و همچنین

* استادیار دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان / jayhani@kashanu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان

mohammadalizaghiyan@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان / ka.zahra68@gmail.com

**** دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، دانشکده معماری و هنر دانشگاه کاشان / mehrazban@yahoo.com

پژوهش نامه کاشان
شماره نهم (پیاپی ۱۷)
پاییز و زمستان ۱۳۹۵



•
•
•
•
•
•
•

نشانه‌هایی که این بناها از نحوه کشاورزی و کار بر روی زمین زراعی آشکار می‌کنند، لزوم توجه به این بناها و حفاظت از آن‌ها را یادآور می‌شود. برای این منظور، نخست باید به این پرسش پاسخ داد که بناها و کوشک‌های زراعی به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین عناصر تبیین‌کننده برخی ابعاد کالبدی میراث کشاورزی منطقه، چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟ این مقاله در پی طرح این پرسش است و هدف از انجام این پژوهش، شناخت برخی از این بناهای ارزشمند و تأکید بر لزوم حفاظت از منظر کشاورزی این منطقه است. بخش اصلی این پژوهش بر پایه مشاهدات و برداشت‌های میدانی صورت گرفته و تلاش شده است که یافته‌ها با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و همچنین بررسی عکس‌های هوایی تکمیل شده و مورد ارزیابی قرار گیرند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که مزارع بررسی شده در بردارنده بناهایی درون حصار خود یا بیرون از محدوده خود هستند. این بناها گاه به‌صورت کوشک‌هایی ساخته شده‌اند و بهره‌گیری از مناظر درون مزرعه یا دشت را فراهم می‌کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: میراث کشاورزی، منظر کشاورزی، کوشک‌های زراعی، منطقه آران‌ویدگل.

مقدمه

اگرچه دشت کاشان در اقلیم گرم و خشک حاشیه کویر قرار گرفته، کشاورزی همواره در آن از رونق فراوانی برخوردار بوده است. این رونق طولانی مدت به شکل‌گیری سنت‌هایی منجر شده است که گذشته از زراعت و معیشت، بر نحوه زیستن در جوار مزارع نیز تأثیر گذاشته است. بررسی برخی نمونه‌ها نشان‌دهنده وجود ساختارهای معماری ارزشمندی نظیر قلعه‌ها، کاروانسراها، آب‌انبارها، مساجد، بناهای سکونتی و کوشک‌های مرتبط با مزارع است؛ درحالی‌که مزارع یا بخش‌هایی از آن‌ها معمولاً براساس یک سنت قدیمی از حصاری چینه‌ای برای تعیین محدوده زمین‌ها و حفظ آن بهره می‌گیرند. باوجود این، خشکسالی‌های پیاپی و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی موجب ویرانی قنات‌های منطقه شده است و ویرانی قنات‌ها نیز معمولاً به رها شدن مزارع، تخریب بناها و کمرنگ شدن میراث باقی‌مانده از گذشته منجر شده است. لذا بخش مهمی از مناظر فرهنگی در حال تغییر است و لاجرم بناهای وابسته به آن نیز در مسیر تخریب قرار دارند. تخریب بناهای یادشده هم اطلاعات ما را از ابعاد کالبدی میراث کشاورزی با نقصان مواجه می‌کند و هم درک ما را از نسبت میان انسان و طبیعت اهلی شده فرومی‌کاهد. این مقاله که در پی یک مطالعه مقدماتی در مورد برخی خصوصیات کالبدی مناظر کشاورزی در منطقه آران‌ویدگل است، به بررسی برخی بناهای مرتبط با مزارع و ازجمله کوشک‌های کشاورزی محدود شده است و به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که بناهای یادشده به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین عناصری که ابعاد کالبدی میراث کشاورزی منطقه را تبیین می‌کند، چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

فعالیت‌های کشاورزی سابقه‌دار، پهنه وسیعی از دشت کاشان را شامل می‌شود. اما در این پژوهش صرفاً مناطق تلک‌آباد، خرم‌آباد، حسین‌آباد، سعدآباد، محمدآباد و ابراهیم‌آباد مطالعه

شده‌اند که در ناحیه شمال غربی شهر آران‌ویدگل واقع‌اند. در این مقاله، پس از مرور تعاریف اولیه درباره‌ی منظر و میراث کشاورزی، به نتایج مطالعات میدانی شامل مصاحبه، پیمایش و برداشت توجه شده است. در این تحقیق، نُه عدد از مزارع موجود در منطقه که از عناصر معماری شاخصی برخوردار بوده و تا حدودی از گزند حوادث مصون مانده‌اند، با بهره‌گیری از عکس هوایی و نقشه مطالعه و معرفی خواهند شد. شایان ذکر است که ابعاد و اندازه‌های ذکر شده در نقشه‌ها تقریبی بوده و بررسی جزئیات ابنیه ذکر شده، نیازمند مطالعات آتی است.

۱. میراث کشاورزی

امروزه نیازهای گوناگون انسان به طبیعت، بر کسی پوشیده نیست. طبیعتی که روزبه‌روز توسط انسان دستخوش تغییراتی می‌شود که بسیاری از آن‌ها نقشی اساسی در تخریب محیط‌زیست و نابودی کره زمین دارند. از این‌رو حفاظت از تنوع زیستی و طبیعی و مناظر به‌جامانده از گذشته، امری ضروری است. از سویی دیگر، حفاظت از تنوع زیستی تنها شامل حفاظت از سرزمین‌های بکر و دست‌نخورده نیست، بلکه حفاظت از محیط‌های نیمه‌طبیعی را که تحت نفوذ انسان قرار گرفته‌اند، نیز دربرمی‌گیرد. منظرهایی مانند زمین‌های زراعی، جنگل‌های دست‌کاشت و مراتع تحت مدیریت که انسان در گذر زمان آن‌ها را به‌وجود آورده و به‌صورت پایدار از آن‌ها نگهداری کرده است (بهبودی، ۱۳۹۳: ۳۴). پیش از آنکه ابزارآلات کشاورزی به شکل امروزی ابداع شوند، انسان‌ها از شیوه‌های کشاورزی سنتی بهره می‌جستند؛ شیوه‌هایی که سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل و سبب خلق محیطی منحصربه‌فرد در سرزمین‌های مختلف می‌شده‌اند. مناظر کشاورزی سنتی که توسط مردم بومی و جوامع محلی خلق شده‌اند، محصول تعامل دیرپای انسان و طبیعت‌اند. فرایندهای تکاملی طبیعی و فرهنگی خاصی که در شکل‌گیری مناظر کشاورزی سنتی دخیل بوده، باعث شده توازنی پویا میان اجزای طبیعی و فرهنگی منظر برقرار شود (پرهیزی‌راد و کیا، ۱۳۹۳: ۴) تحقیق درباره‌ی کشاورزی سنتی نشان می‌دهد که روش‌های بومی در کشاورزی سنتی، از لحاظ بوم‌شناختی، پایه و اساس مستحکمی دارند که براساس آن، ضمن بقای منابع طبیعی و فرهنگی، تداوم فعالیت‌های کشاورزی ممکن می‌شود (همان: ۶). این شیوه‌های کشاورزی در تمام نقاط مختلف کره زمین بسته به اقلیم و فرهنگ و سنت‌های مردمان آن مناطق متفاوت بوده و تابعی از ویژگی‌های محل و خصوصیات ساکنان آن است. از این‌رو، مناظر کشاورزی سنتی مناظری چندوجهی هستند. بر این اساس، کشاورزی در اساس، چیزی فراتر از تولید صرف است. اقدامات کشاورزان سنتی از سویی امنیت غذایی جامعه را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، به شکل‌گیری و حفظ تنوع کشاورزی^۱، تنوع زیستی^۲ و تنوع فرهنگی^۳ منجر می‌شود (همان: ۴). نظام‌ها کشاورزی سنتی، به‌عنوان میراثی از گذشتگان، همواره نقش مؤثری در بقای انسان داشته‌اند و حفاظت از آن‌ها کمک می‌کند تا این نقش ادامه پیدا کند (بذرافشان، ۱۳۹۳:

۲۷). اطلاعات ما از این نظام‌ها، درک ما را از منظر فرهنگی ناشی از تعامل انسان و محیط‌زیست افزایش می‌دهد و به حفظ و صیانت از موضوع یادشده کمک می‌کند.

۱.۱. میراث و منظر کشاورزی

با توجه به اهمیت موضوع میراث کشاورزی و همچنین لزوم شناسایی و ارزش‌گذاری منظرهای کشاورزی سنتی، سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (FAO) در سال ۲۰۰۲، طرحی را با عنوان سامانه‌های میراث کشاورزی جهانی (GIAHS) برای شناسایی و حفاظت از ابعاد گوناگون میراث کشاورزی راه‌اندازی کرده است (بذرافشان، ۱۳۹۳: ۲۷). طرح یادشده به تقویت و توسعه ظرفیت جوامع محلی و مردم بومی کمک می‌کند تا با به‌کارگیری سازوکارهای درون‌زا و متکی به خود واکنش مناسب در مقابل تغییرات اکولوژیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان دهند (کوه‌افکن، ۱۳۹۳: ۱۶). در ایران نیز چند سامانه میراث کشاورزی یا مرتبط با آن که اهمیت آن‌ها در سطح جهانی شناخته شده باشد، وجود دارد؛ مانند سامانه میراثی آبیاری با قنات که ثبت آن در جریان آخرین کنفرانس GIAHS در سال ۲۰۱۴ توسط سازمان فائو به انجام رسیده است (همان: ۱۳ و ۱۶). این سامانه‌ها از دیدگاه گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ از جمله، موضوعات کشاورزی فراغتی (Farmer & et al., 2014; Asden & McEntee, 2011) و گردشگری کشاورزی (Yang & et al, 2010) گویای کارکردهای تفریحی منظر متمر به‌شمار می‌آیند (Barbieri & Valdivia, 2010).

فعالیت‌های زراعی رفته‌رفته هویت محیط را تحت تأثیر قرار داده و عناصر منظرساز را در محیط القا می‌کند؛ این منظرسازی درنهایت، میراث کشاورزی را در پی خواهد داشت. به‌عبارتی، در اثر ارتباط شخص و محیط، و در پی لذت ناشی از آراستگی منظر کشاورزی، سنت‌هایی پدید می‌آیند که علاوه بر ایجاد یا تغییر عناصر کالبدی، فرهنگ‌ها و تعاملات اجتماعی را پی‌ریزی می‌کنند؛ حس انسان در قبال طبیعت به‌طور عام، و حس او در قبال مناظر به‌طور خاص، جزئی از فرایند رشد فرهنگی به‌شمار می‌رود و اکتسابی است (اگوستین، ۱۳۸۷: ۸۲). مشاهده مناظر طبیعی (محرک وجه دیداری و بصری) و در معرض عناصر طبیعی قرار گرفتن (محرک حس لامسه، بویایی و شنیداری) می‌تواند عوامل تنش‌زای روان‌شناختی را کاهش داده و رفاه بیولوژیکی را افزایش دهد (نیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). در نتیجه، احداث باغ یا مزارع کشاورزی می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد؛ از جمله ایجاد مناظر زیبا و البته تولید محصول. از این‌رو، منظر نقش بسیار مهم و گسترده‌ای در شکل‌گیری بسترهای فرهنگی، اکولوژیک، اجتماعی و محیطی دارد؛ و از طرف دیگر می‌تواند منبعی بسیار حیاتی برای بهره‌برداری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشد، در ساخت فرهنگ‌های محلی نقش اساسی داشته باشد و زیرساختی حیاتی در ایجاد میراث فرهنگی و محیطی دانسته شود. منظر شالوده‌ای است که به یکپارچگی هویت منطقه‌ای می‌انجامد و بخش

مهمی از کیفیت زندگی مردم در سراسر دنیا است (منصوری و حبیبی، ۱۳۸۹: ۶۴). جدای از نقشی که منظر کشاورزی به عنوان عنصری وحدت بخش در نظام های اجتماعی ایفا می کند، سنت های ساخت و خلق محیط کالبدی را نیز شکل می دهد. علاوه بر موضوعات یاد شده، باید به این نکته توجه داشت که کشاورزی سنتی خود دربردارنده فنونی، تکنیک ها و علمی بودند که در طول سالیان طولانی و بسته به نیاز بشر، پدید آمدند و تکامل یافتند. بنابراین، به عنوان الگوهایی نوآورانه، نمادی از خلاقیت بشر در ارتباط با محیط پیرامون در طول زمانی طولانی هستند.

بنا بر گزارش شورای بین المللی یادمان ها و محوطه های تاریخی (ایکوموس) در سال ۲۰۱۰، منظر کشاورزی ثبت شده در فهرست میراث جهانی را از لحاظ تیپولوژی می توان به هفت گروه تقسیم کرد: ۱. منظر تاجکستان؛ ۲. منظر مرتبط با محصولات اقتصادی حیاتی مانند گندم و برنج؛ ۳. منظر مرتعی مرتبط با جوامع کوچ نشین؛ ۴. منظر باستانی دارای آثار تاریخی؛ ۵. منظر کشاورزی با ارزش های زیبایی شناسی منحصر به فرد؛ ۶. منظر دارای زیرساخت های کشاورزی سنتی؛ ۷. منظر کشاورزی که تمام یا مجموعه ای از ویژگی های گروه های قبل را دارا هستند (جمالی، ۱۳۹۳: ۲۰). به موازات فعالیت های ایکوموس در جهت حفاظت از میراث کشاورزی، GIAHS نیز به وضع معیارهایی پرداخته است که مطابق آن ها می توان میراث کشاورزی ارزشمند را شناسایی نمود؛ از این دیدگاه مناظر کشاورزی که واجد ارزش میراثی هستند می توانند تأمین کننده امنیت غذایی یا حیاتی برای بشر بوده باشند، یا در پی شکل گیری آن ها تنوع زیستی در منطقه پدید آمده باشد یا سامانه ای شامل دانش بومی و سنتی باشند که شاهدی بر تعامل میان انسان و طبیعت پیرامون محسوب گردند. این مناظر همچنین می توانند فرهنگ ها و نظام های ارزشی و نهادهای اجتماعی را تشکیل داده باشند و یا منظر خشکی یا آبی را شکل داده باشند که در آن انسان با محیط اطراف هماهنگ و همکار بوده باشد (نک: <http://www.fao.org/giahs>)

آنچه درباره منطقه کاشان و به خصوص محدوده آران و بیدگل قابل توجه است، ترکیبی از نکات بالاست. اهمیت و لزوم تأمین غذا به تعامل میان انسان و طبیعت خشن منجر شده و این تعامل که دربردارنده نظام های ارزشمند اجتماعی و اقتصادی است، به تولید دانش بومی و فنون سنتی منتج شده است. اما آنچه در این مقاله مد نظر است، بخشی از همه نظام پیچیده کشاورزی سنتی در منطقه مورد نظر است؛ جایی که می تواند بیان کننده جنبه هایی از ابعاد کالبدی میراث کشاورزی منطقه باشد. برای درک بهتر موضوع لازم است نگاهی دقیق تر به منطقه داشت. لذا پس از بررسی کوتاه پیشینه زراعت، به عناصر ساخته شده میراث کشاورزی منطقه آران و بیدگل پرداخته می شود.

۱. ۲. کشاورزی در کاشان

کشاورزی در کاشان از دیرباز اهمیت داشته است. در کتاب ممالک و مسالک آمده است که

کاشان در صورت جبال قرار داشته و شهری کوچک با میوه‌های بسیار بوده است (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۰۱-۲۰۹). پطروشفسکی که درباره کشاورزی در ایران سده‌های میانه مطالعه کرده است، اشارات حمدالله قزوینی را یادآور می‌شود که از میان نواحی عراق عجم، بلوکات کاشان را نام می‌برد. بنا بر شرح او در ولایت‌های کاشان و اصفهان کشت ذرت بسیار متداول بوده است. حمدالله قزوینی بهترین خربزه‌های مشهور ایران را که مقداری نیز صادر می‌شد، از آن نواحی اصفهان و قم و کاشان (در عراق عجم) می‌داند (پطروشفسکی، ۱۳۵۷: ۱۵۹-۳۶۵). محصولات کشاورزی همواره نقش مهمی در اقتصاد کاشان داشته‌اند و این روند تا دهه‌های اخیر نیز ادامه داشته است. بنا بر شرح حسن نراقی محصولات طبیعی مهم در کاشان شامل غلات، پنبه، تنباکو و انواع میوه‌جات خصوصاً انار و انجیر فین که بسیار شاداب و گوارا و بی‌نظیر می‌باشند (نراقی، ۱۳۴۵: ۴).

۲. عناصر ساخته‌شده میراث کشاورزی آران و بیدگل

در میان بسیاری از مزارع به‌جامانده از گذشته، در منطقه شمال غربی دشت آران و بیدگل، بناهای پرشماری از جمله عمارت‌های درون و مجاور مزارع، کوشک‌ها و مساجد دشتی و همچنین قلعه‌ها قابل مشاهده‌اند که در ادامه بررسی و معرفی می‌شوند. اما پیش از آن باید به قنات اشاره شود که هم فراتر از هر سازه دیگر، کشاورزی در منطقه را میسر کرده است و همچون رشته‌ای همه اجزای میراث کشاورزی را به هم ارتباط می‌دهد.

۲.۱. قنات

قنات نوعی مجرای زیرزمینی است که در دل زمین حفر می‌شود و آب را از سفره‌های زیرزمینی واقع در لایه‌های مختلف جمع‌آوری کرده و با کمک نیروی گرانش آن را به سطح زمین می‌رساند تا به مصرف آشامیدن، کشاورزی و دامپروری برسد. در کشور ما «همیشه نوسان جمعیت، نحوه فعالیت، نوع معیشت و سایر فعالیت‌ها، عمدتاً تابعی از حجم آبدی قنات بوده است؛ بدین گونه که هرگاه آبدی بیشتر بوده، اراضی وسیع‌تری به زیر کشت رفته و در نتیجه، امکان استقرار جمعیت بیشتری ایجاد شده است» (حناچی و آرمان، ۱۳۹۲: ۴-۵). شاید از همین روست که ایرانیان از همان ابتدا به ایجاد «بنه» مبادرت ورزیده‌اند. «بنه عبارت است از یک واحد مستقل زراعی که عده‌ای دهقان معمولاً بین ۱۲ تا ۱۵ نفر با سمت‌های مشخص اجتماعی، براساس تقسیم کاری که مبتنی بر امتیازهای اقتصادی و منزلت‌های اجتماعی است، در یک یا چند قطعه زمین مشخص با مقدار آب و نیروی کار معین به مدت یک سال زراعی در یک آبدی به کشت و زرع می‌پردازند» (حائری، ۱۳۸۶: ۱۰۴). «مقدار آب در تشکیل بنه عامل ثابت و مقدار زمین تابع آن بوده است. در نتیجه کمیت زمین، بنه رابطه مستقیم با مقدار آب داشته است؛ زیرا مقدار آبی که از قنات خارج می‌شود، براساس مدار گردشش می‌تواند مقدار معینی زمین را

آبیاری کند» (همان: ۱۰۵). سکونت و کشاورزی در منطقه کاشان مرهون قنات‌های بسیار پرشماری است. قنات‌ها در شکل‌گیری مزارع و سایر مراکز سکونت نقش مهمی دارند و بخش‌های متفاوتی را از طریق جریان آن به یکدیگر پیوند می‌دهند. برای مثال می‌توان قنات سددار تلک‌آباد کاشان را مد نظر قرار داد که در محدوده مطالعه شده، در فاصله حدود ۳ کیلومتری آران و حدود ۱۲ کیلومتری کاشان، واقع است و باعث شکل‌گیری مزرعه تلک‌آباد شده است. دشتی که مزرعه در آن واقع شده، دارای آب فراوان و زمین‌های وسیعی است. از حدود مظهر قنات تلک‌آباد به سمت مسیر جریان آب در دو طرف هرنج^۴، باغ‌های پردرختی وجود دارد و پس از آن زمین‌های زراعی آغاز می‌شود. بخشی از دشت تلک‌آباد به نام دشت وشاد بسیار مشهور است. سطح عمومی دشت وشاد از سطح عمومی دشت تلک‌آباد مرتفع‌تر است. از این رو، برای آبیاری آن بایستی دهانه مظهر قنات را حدود ۲۴ ساعت بسته نگه داشت تا سطح آب در درون قنات انباشته شده و بالا آید؛ سپس با باز کردن آن، آب با فشار زیادی روانه دشت می‌شود. طول قنات تلک‌آباد ۹ کیلومتر و عمق مادرچاه ۵۰ متر است. تعداد حلقه چاه‌ها به ۱۱۲ می‌رسد (همان: ۷۷).

۲.۲. کوشک‌ها و سایر بناهای مزارع

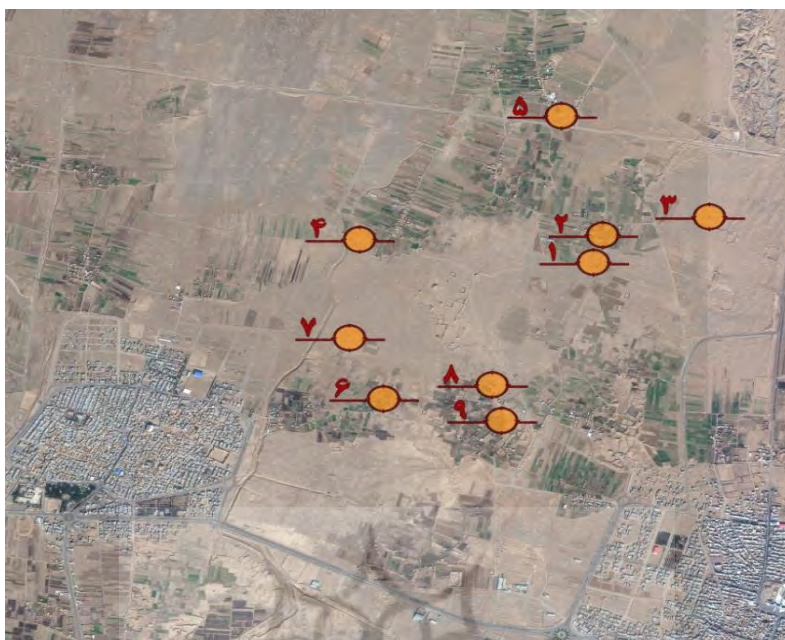
واژه کوشک در لغت، به معنای «قصر و هر بنای رفیع بلند و سرای عالی» است (دهخدا، ۱۳۷۷)؛ و همچنین «خانه بزرگی در میان یک باغ» (معین، ۱۳۸۹) و «عمارت عالی در خارج از شهر که اطراف آن باغ یا کشتزار باشد» (عمید، ۱۳۶۳). عمارت کوشک غالباً ساختمانی برون‌گراست که در قسمتی از فضاهای واقع در میان باغ، به گونه‌ای طراحی و ساخته می‌شده که ساکنان آن بتوانند از بهترین منظر برخوردار شوند. تأمین بهترین و حتی بیشترین منظر ممکن برای فضای کوشک، منجر به استفاده از طرح‌های چهار صفا با نقشه مربع یا هشت ضلعی شد. در بسیاری از عمارت‌های کوشک یک فضای میانی در وسط و چهار یا هشت فضای جانبی به گونه‌ای وجود داشت که هر یک از فضاهای جانبی، پنجره با ایوانی به سوی چشم‌اندازها و مناظر باغ داشت (بانی مسعود، ۱۳۸۴: ۶). کوشک و دیگر نمونه‌های مشابه همواره با حضور طبیعت و باغ معنا دار بوده و وجود یکی گواه بر حضور دیگری است؛ همان‌طور که در بسیاری از نگاره‌های مربوط به باغ و فضای بیرونی ارتباط تنگاتنگ کوشک و طبیعت دیده می‌شود (تیموری و حیدرنتاج، ۱۳۹۳: ۱۷). به همین سبب، کوشک همواره با فضای باز در ارتباط بوده است و امکان دیدن و دیده شدن را فراهم می‌کرده است. کوشک‌های زراعی از جمله بناهای مورد نظر این پژوهش است که خصوصیات معمول کوشک‌ها را دارند. این عناصر که بخشی از فضاهای مربوط به کشاورزی هستند، با کاربری‌های متفاوت و به صورت پراکنده در دشت کاشان قرار گرفته‌اند. دلایل مختلفی موجب شکل‌گیری چنین بناهایی بوده است که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت. به جز

کوشک‌ها که از جمله نمونه‌های بسیار شاخص است، مزارع بناهای دیگری را نیز شامل می‌شوند. در بیشتر موارد، این بناها داخل مزرعه محصور واقع شده و در گوشه‌ای از آن مستقر شده و گاه با حصار نیز ترکیب شده‌اند.

۲.۳. قلاع

در ادبیات معماری، هر محوطه‌ای که توسط بارویی محصور شده و ورود و خروج به داخل آن از طریق نقاط محدودی که غالباً دروازه خوانده شده صورت می‌پذیرد، قلعه نامیده می‌شود. در این نام‌گذاری انگیزه ساخت، موقعیت قرارگیری، کاربری تعریف‌شده و سایر ویژگی‌های کالبدی، ساختاری و عملکردی بنا در نظر گرفته نمی‌شود (نعیمی، ۱۳۸۹: ۷). اما طرح‌ریزی بیشتر قلاع برای دفاع است و آن‌ها را می‌توان نمونه معماری نظامی دانست. البته جز در مواقع ضروری، این گونه تأسیسات کاربرد دفاعی و نظامی نداشتند و اغلب به‌عنوان محل سکونت و برقرارکننده مناسبات اجتماعی در منطقه به‌شمار می‌رفتند، اما همواره نقش دفاعی و امنیتی آن‌ها بارز بوده است. در این راستا کارکردهای متعددی برای قلعه‌ها در نظر گرفته می‌شود (حیدری و زارعی، ۱۳۹۳: ۱۹۹). همچنین به‌نظر می‌رسد همپای روستاها و شهرهایی که به‌تدریج در میان حصارها و برج و باروها شکل گرفته و گسترش می‌یافتند، مجموعه‌هایی با ظاهری نسبتاً مشابه به‌وجود آمده و شروع به توسعه نموده‌اند که از آن‌ها با عنوان قلعه یاد می‌شود. درحالی‌که ساختار اجتماعی متفاوت از آنچه در روستاها و شهرهای هم‌عصرشان شکل گرفته، در این مجموعه‌های مسکونی نظامی ایجاد شده است. بر این اساس می‌توان گفت که قلعه‌نشینی شکلی از سکونت و متفاوت از روستانشینی یا شهرنشینی بوده است (همان‌جا). همه قلعه‌های دشتی از خشت و گل‌اند و در برخی موارد، دو طرف در ورودی آن‌ها با آجر کار شده است. قدمت این قلعه‌ها متفاوت بوده و بیشتر متعلق به سده‌های ۱۱ و ۱۲ می‌باشند و از اواخر سلسله قاجار به‌مرور زمان متروک شده‌اند» (پازوکی طرودی، ۱۳۷۶: ۲۲۲-۲۶۷). قلعه‌های در منطقه کاشان با زراعت پیوندی گسترده و تاریخی دارند. در کتاب ممالک و مسالک آمده است که «... و از قاشان تا قلعه بدره دو منزل، و بعضی از این راه بیابان است، و درین قلعه عمارت و زراعت می‌باشد و رصدخانه در آنجا ساخته‌اند. در این قلعه پیادگان جهت رفع حوادث و منع نوایب مرتب و مقیم می‌باشند و قافله و کاروان در آنجا منزل می‌سازد و نزدیک این قلعه دیهی هست که از آن دیه آب روانه می‌شود و در میانه رباط می‌افتد و در میانه رباط حوضی بزرگ ساخته هست که آب در آن جمع می‌شود و از آنجا بیرون می‌رود» (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴۲).

پس از بازشناسی تعاریف اولیه درخصوص میراث کشاورزی و نیز بررسی ابعاد کالبدی این مفهوم در دشت کاشان، لازم است مفاهیم فوق را در منطقه مورد مطالعه، تحلیل و بررسی کرده و با ساختار کالبدی این عناصر بیشتر آشنا شویم.



شکل ۱: موقعیت مکانی مزارع و کوشک‌های برداشت‌شده (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۳. کوشک‌ها و بناهای مطالعه‌شده

از آنجایی که عناصر کالبدی به‌جای مانده از میراث کشاورزی منطقه نظیر قلاع دشتی، کاروانسراها، قنوت، آب‌انبارها، مساجد دشتی، برج‌ها و مزارع کشاورزی پرشمارند، این پژوهش صرفاً به کوشک‌ها می‌پردازد و آن‌ها را مطالعه خواهد کرد. لذا نه کوشک از مجموعه‌های مزرعه‌عاملی، مزرعه کرباسی‌ها، مزرعه مسجد دشتی پیره، مسجد دشت محمدآباد، مزرعه دشت سعدآباد، مزرعه دولت‌آباد، مزرعه دشت محمدآباد، مزرعه دشت ابراهیم‌آباد و مزرعه حاج علی داداشی در مرکز مطالعات این مقاله قرار دارد.

۳.۱. مزرعه‌عاملی و بنای مسکونی آن

این مزرعه در سال‌های نه‌چندان دور، تحت تملک آقای عاملی از علمای منطقه بوده و در راستای شمالی جنوبی با فرم نسبتاً مربع‌شکل ساخته شده و در قسمت جنوب شرقی آن بنایی قرار گرفته است. قدمت این بنا به ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال پیش برمی‌گردد و به‌صورت کاملاً محصور می‌باشد. این مزرعه دارای دو ورودی از دیوار شرقی و همچنین یک ورودی از بنای مسکونی است. نحوه قرارگیری بنای مورد نظر در مزرعه به‌گونه‌ای است که کاملاً در داخل هندسه مزرعه و از دو جهت بر مزرعه مسلط بوده و همچنین با اختلاف ارتفاع حدود دو متر از سطح مزرعه فاصله گرفته که در نوع خود منحصر به فرد است. این بنا نمونه کاملی از یک فضای اقامتی در دل دشت بوده که از فضاهایی نظیر مطبخ، طویله، اتاق، فضای نشیمن و همچنین صفا‌ای مشرف بر

ضلع غربی بنا تشکیل شده است. از نکات قابل توجه در معماری آن می‌توان به اهمیت منظر اشاره کرد که با توجه به بازشوهای متعدد در قسمت‌های مختلف این بنا، می‌توان به این موضوع پی برد. نوع آبیاری این مزرعه نه به‌طور قطع ولی با توجه به وجود آبروی ورودی در قسمتی از آن می‌توان گفت از قنوات موجود در منطقه است. به‌نظر می‌رسد این مزرعه خصوصی بوده و با توجه به حضور یک درخت پسته کهن در گوشه‌ای از آن، به شکل باغ بوده است.

جدول ۱: مشخصات فضایی کوشک و مزرعهٔ عاملی‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسهٔ غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	جنوب شرقی مزرعه	نسبتاً مربع	۲۳ درجه شمالی	۱۱/۵۷ درصد	۳۶۷۰	۴۸۰	۴۱۵۰



شکل ۲: نقشهٔ هوایی و تصاویر کوشک و مزرعهٔ عاملی‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۲.۳. مزرعهٔ کرباسی‌ها و بنای مسکونی آن

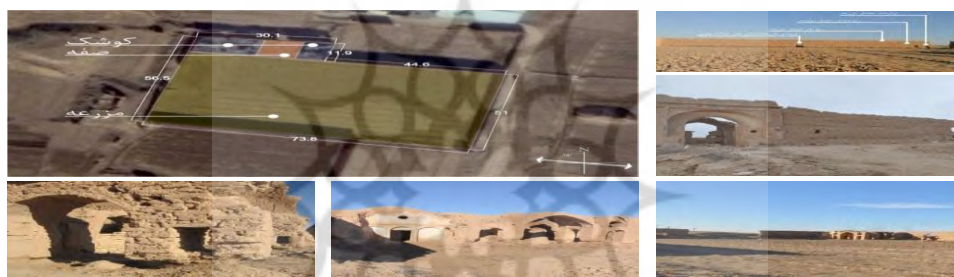
این مزرعه متعلق به آقای کرباسی از بزرگان منطقهٔ آران بوده و در فاصلهٔ کمی از مزرعه، عاملی قرار دارد و به‌نظر می‌رسد قدمتی کمتر از آن داشته باشد. شکل قوس‌ها و روزن‌های گرد در بالای برخی از قوس‌های آن معماری قاجار را تداعی می‌کند. مزرعه با ابعاد تقریبی ۵۰×۷۵ مترمربع به‌وسیلهٔ دیوار دورش محصور شده و برخلاف برخی مزارع دیگر، بنای اصلی در جهت شمالی و در بیرون از محدودهٔ حصار قرار داشته و تنها از یک وجه به درون مزرعه دید دارد. معمار بنا صفه‌ای را در حاشیه مزرعه و در ارتباط با بنای اصلی قرار داده تا بدین وسیله بنای یادشده بر مزرعه اشرف داشته باشد. ورودی بنا از سمت کوچه بوده و نه از سمت شمال مزرعه

ابعاد کالبدی
میراث کنشورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشک‌ها.

و نسبت به مزرعه در سطح بالاتری قرار دارد. سازنده با قرار دادن صفه علاوه بر ایجاد یک تراس، از فضای زیر آن به عنوان آغل استفاده کرده و بدین وسیله فضای نگهداری حیوانات را از فضای زندگی تفکیک کرده است. در کنار این صفه، یک فضای چلیپایی شکل منحصربه‌فرد قرار دارد که می‌تواند شاه‌نشین بنا باشد. این فضا از سمت جنوب باز بوده و به فضای اصلی محصور شده مزرعه دید دارد و در قسمت جنوب شرقی و غربی آن، دو اتاق کوچک‌تر منحصربه‌فرد قرار گرفته‌اند. همچنین وجود طاقچه‌هایی در طرف داخلی حصار مزرعه، این دیوار را منحصربه‌فرد کرده است.

جدول ۱: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه کرباسی‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	شمال غربی مزرعه	نسبتاً مستطیل	۵۷ درجه شمالی	۸/۲۶ درصد	۳۶۳۴	۳۲۷	۳۹۶۱



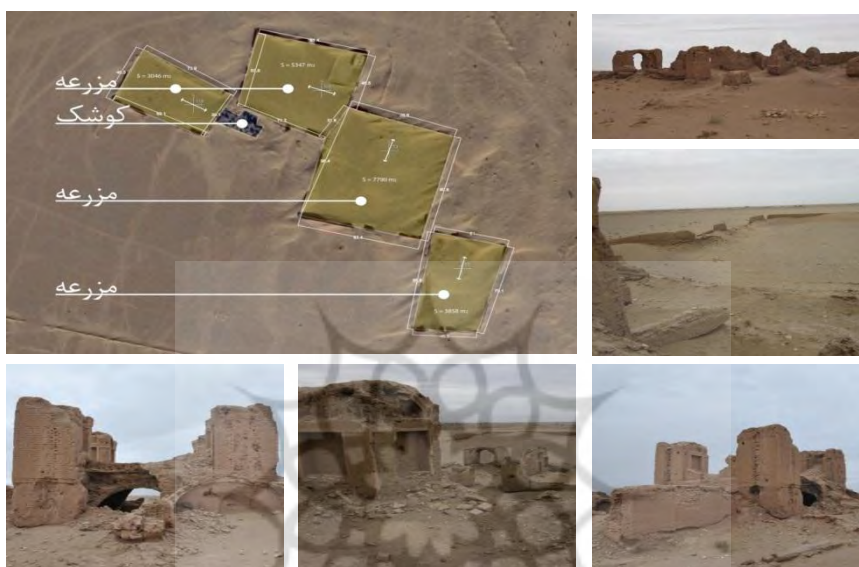
شکل ۳: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه کرباسی‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۳.۳. کوشک و مزرعه مسجد دشتی پیره

این مزرعه در چند صد متری مزرعه عامری و کرباسی قرار داشته و با توجه به تعدد زمین، متعلق به چند مالک بوده است. تنها تشابه این مزرعه با دیگر مزرعه‌ها وجود حصار است که در حال حاضر تخریب شده و این خود موجب پوشیده شدن مزرعه از رمل شده است. در میان چند قطعه زمین مزرعه، کوشکی در دو طبقه بنا شده که فضایی عمومی میان قطعات زمین زراعی بوده و مورد استفاده کشاورزان منطقه قرار می‌گرفته است. عمر این بنا به سده‌های پیشین برمی‌گردد و با توجه به گفته‌های اهالی، کاربری این بنا به این صورت بوده که طبقه زیرین به نگهداری دام اختصاص داشته و طبقه دیگر محلی برای استراحت، اقامه نماز، خوردن طعام و همچنین محل اقامت دشتبان بوده است. مخروبه‌های باقی‌مانده احتمالاً فضاهای جانبی مانند برج دیدبانی و اتاق‌های مکمل بوده‌اند که اکنون ویران شده‌اند. این بنا با توجه به دید از چهار طرف در طبقه فوقانی بر مزارع اطراف خود اشراف دارد.

جدول ۳: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه مسجد دشتی پیره (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	نسبتاً شمال غربی مزرعه	نسبتاً مربع‌مستطیل	۱۳-۱۷-۱۰۹-۱۱۹ درجه شمالی	۲/۶۹ درصد	۲۰۰۴۱	۵۵۵	۲۰۵۹۶



شکل ۴: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه مسجد دشتی پیره (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۴.۳. کوشک و مزرعه دولت آباد

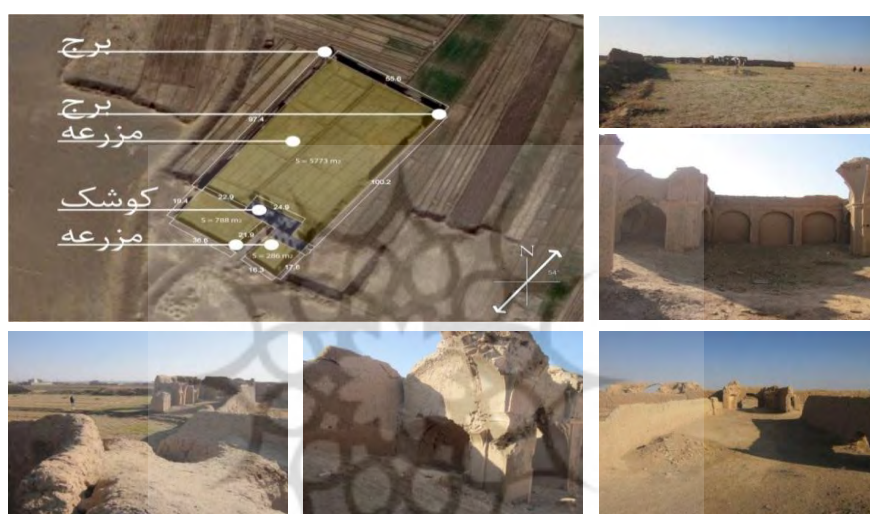
این مزرعه متعلق به یکی از علمای منطقه نوش‌آباد بوده و عمر آن به چند سده پیش بازمی‌گردد و در ایام خاصی از سال، توسط مالکان مورداستفاده قرار می‌گرفته است. کوشک و مزارع اطرافش به وسیله یک دیوار بلند، با هندسه منظم راست گوشه با ابعاد تقریبی ۵۵×۱۲۰ متر احاطه شده‌اند که نشان می‌دهد ملک موجود خصوصی بوده است. این مزرعه محصور سه بارو، یکی در ضلع جنوبی و دو باروی دیگر به قطر سه متر در ضلع شمالی را شامل می‌شود. دسترسی به مزرعه توسط کوچه‌ای در ضلع جنوبی امکان‌پذیر بوده است. دو مزرعه کوچک‌تر نیز در جبهه جنوبی و در دو طرف کوچه ورودی قرار گرفته‌اند. بنای اصلی در عرض زمین و انتهای جنوبی مزرعه واقع شده که وسعت دید بنا نسبت به مزرعه را کم می‌کند، ولی باعث بزرگ‌تر دیده شدن زمین و افزایش عمق دید شده است. با وجود قرارگیری کوچه در جبهه شمالی، بنا و ورودی اصلی در جبهه جنوبی قرار دارد که سایه کوشک در این اقلیم گرم و خشک درون مزرعه می‌افتد که علاوه بر خنکی بیشتر درون مزرعه، ناظر در جبهه نثار قرار گرفته و نور خورشید آزارش

ابعاد کالبدی
میراث کنشورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشک‌ها.

نمی‌دهد. بنای اصلی که همچون کوشکی متصل به حصار پیرامونی است شامل اتاق‌های متعدد، مطبخ و طویله است و با خشت و گل ساخته شده است. این مجموعه در غرب منطقه در نزدیکی شهر نوش‌آباد قرار دارد و اکنون به صورت متروکه رها شده است.

جدول ۴: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه دولت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
۳ عدد	جنوب مزرعه	مستطیل	۳۶ درجه شمالی	۲/۶۹ درصد	۶۸۴۷	۳۱۰	۷۱۵۷



شکل ۵: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه دولت‌آباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۳.۵. کوشک و مزرعه دشت سعدآباد

مالک این مزرعه مشخص نبوده و به دلیل قرارگیری در دشت سعدآباد که در شمال آران‌و‌بیدگل قرار دارد، نام‌گذاری شده است و شامل یک زمین زراعی مستطیل شکل به ابعاد تقریبی ۵۰×۶۰ متر بوده و کوشک اصلی آن درست در مرکز ضلع جنوبی آن قرار دارد و از این رو بی‌شبهت به مزرعه دولت‌آباد نیست. اگرچه این بنا در نگاه اول شکل مساجد دشتی را تداعی می‌کند، با کمی دقت می‌توان دریافت که این بنای دوطبقه یک کوشک زراعی است که در بیرون از حصار مزرعه قرار داشته و ضلع شمالی آن مماس با دیوار مزرعه بوده و بنا به‌طور کامل، بر مزرعه پیش رو مسلط است. دسترسی به این مجموعه نیز از جنوب بنای کوشک امکان‌پذیر است. این مجموعه تقریباً از یک نقشه قرینه برخوردار است. در بدو ورود به بنا به اتاق مربع‌شکلی شبیه شاه‌نشین می‌رسیم که از در هر دیوار آن، یک طاق فرورفته بزرگ دیده می‌شود. در دو طرف این فضای مرکزی، دو اتاق کشیده دیده می‌شود و یک اتاق کوچک، درست در پشت این شاه‌نشین قرار

دارد. بنای طبقه دوم ویران‌تر از آن است که بتوان توصیف دقیقی از آن کرد و تنها چند جرز با طاقچه‌های کوچکی در دل آن‌ها و همچنین آثار یک تیر چوبی را که این جرزها را نگه داشته، می‌توان دید که احتمالاً زمانی نقش تیر نگه‌دارنده طاق را بر عهده داشته است.

جدول ۵: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه دشت سعدآباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	جنوب مزرعه	مستطیل	۹۵ درجه شمالی	۵/۲۲ درصد	۲۹۹۶	۱۶۵	۳۱۶۱



شکل ۶: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه دشت سعدآباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۶.۳. مسجد دشت محمدآباد

این کوشک در نزدیکی شهر نوش‌آباد و جاده‌ای که به این شهر منتهی می‌شود، قرار گرفته است. قدمت این بنا به دهه‌های پیشین برمی‌گردد. در اطراف این کوشک حصارکشی پیرامون مزارع که از سنت‌های متداول منطقه است، به چشم نمی‌خورد و به همین علت، احتمالاً این بنا جنبه عام‌المنفعه داشته و بخش وسیعی از مزارع پیرامون خود را به دلیل برخورداری از استراحتگاه، نگهداری احشام، برپایی نماز و... پوشش می‌داده است. شایان ذکر است که در مجاورت این بنا یک آب‌انبار نیز وجود دارد که دسترسی به پاشیر آن از درون فضای مسقف آغل احشام تأمین می‌شود. کوشک میانی دو طبقه بوده و فرمی شبیه مساجد دشتی دارد که دارای فضاهایی مانند

ابعاد کالبدی
میراث کنشورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشک‌ها



•
•
•
•
•
•
•

مطبخ و طویله در طبقه پایین و اتاقی مشرف بر مزرعه در طبقه فوقانی است. در حال حاضر، این بنا متروکه بوده و تخریب شده است و تنها در زمین اطراف کشت صورت می‌گیرد.

جدول ۶: مشخصات فضایی مسجد دشت محمد آباد (نگارندگان ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	-	نسبتاً مربع‌مستطیل	۱۰۵-۱۰۷ درجه شمالی	۱۰۰ درصد	-	۱۰۳	۱۶۹



شکل ۷: نقشه هوایی و تصاویر مسجد دشت محمدآباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۷.۳. کوشک و مزرعه دشت محمدآباد

مالک این مزرعه مشخص نبوده و به دلیل قرارگیری در دشت محمدآباد که در شرق نوش آباد قرار داد، نام‌گذاری شده است. این مزرعه کاملاً باز بوده و هیچ حصاری آن را محصور نمی‌کرده است. به نظر می‌رسد که چنین مزرعه‌ای بیشتر جنبه عمومی داشته و شامل چند قطعه زمین بوده که همگی توسط یک ارباب مدیریت می‌شده است. در جبهه شمالی این مزارع، کوشکی بنا شده که به لحاظ ظاهری بسیار شبیه مساجد دشتی است. طبقه زیرین این بنای دوطبقه به دام اختصاص

داشته و طبقه فوقانی آن با وجود ویرانی‌های زیاد، احتمالاً برای اقامه نماز، خوردن طعام، محلی برای استراحت یا حتی دشتبانی استفاده می‌شده است. در میان این مزارع، بارویی خودنمایی می‌کند که برای تأمین امنیت از آن استفاده می‌کردند. وجود تزیینات کاربردی زیبا درون این برج نشان می‌دهد که این بنا صرفاً جنبه دیده‌بانی یا خدماتی نداشته و احتمالاً برای استراحت و تماشا و نظارت بر دشت نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

جدول ۷: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه دشت محمدآباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت‌گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
۱ عدد	شمال مزرعه	نسبتاً مستطیل	۱۱۸-۱۱۷-۳۳-۱۱۸+۱۱۵+۱۲۰+۲۶ درجه شمالی	۱/۷۶ درصد	۷۰۳۰	۹۸ ۲۸+	۷۱۵۶



شکل ۸: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه دشت محمدآباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

ابعاد کالبدی
میراث کنشورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشکها.

۸.۳. کوشک و مزرعه دشت ابراهیم آباد

این مزرعه در دشت ابراهیم آباد (دشتی میان آران و بیدگل و نوش آباد) واقع شده و به همین دلیل، این نام برای آن برگزیده شده است. مالک این مزرعه نامشخص بوده و تاریخ ساخت روشن نیست و تا چندی پیش مورد استفاده قرار می گرفته است. با توجه به حصار سرتاسری، همانند مزارع خصوصی دیگر است و دارای کوشکی در جهت جنوب غربی خود می باشد. این کوشک فرمی شبیه مساجد دشتی داشته و در دو طبقه که طبقه زیرین مختص دام و طبقه فوقانی مورد استفاده کشاورزان بوده است. نکته قابل توجه در این مزرعه صفاه‌ای است که کوشک روی آن قرار گرفته و کوشک را بر مزرعه مسلط می سازد و همچنین چرخشی که آن کوشک رو به قبله داشته است. در حال حاضر این مزرعه متروک بوده و کاربری ندارد.

جدول ۸: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه دشت ابراهیم آباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	جنوب غربی مزرعه	نسبتاً مستطیل	۱۰۱-۱۱۶ درجه شمالی	۸/۷۱ درصد	۹۱۲	۸۷	۹۹۹



شکل ۹: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه دشت ابراهیم آباد (نگارندگان، ۱۳۹۵)

۹.۳. کوشک و مزرعه حاج علی داداشی

این مزرعه متعلق به یکی از بزرگان منطقه بوده و در یکی از روستاهای توابع شهر آران و بیدگل و در کنار یک جاده فرعی قرار دارد. مزرعه و کوشکی که در میان آن واقع شده، به وسیله یک دیوار خشتی بلند احاطه شده و دسترسی به آن از غرب مجموعه امکان پذیر است. کوشک که بنایی دوطبقه با فرمی نسبتاً قرینه بوده، درست در ناحیه دوسوم بالایی این زمین قرار گرفته است. دسترسی به این بنا از طریق یک ورودی در شمال که دارای طاقی قوسی شکل در بالای آن است، امکان پذیر می باشد. بنای مذکور در سطحی بالاتر از مزرعه قرار داشته و شامل یک فضای چهارگوش مرکزی با طاق نماهایی با قوس های تیزه دار در اطراف بوده و در دو طرف این فضای مرکزی اصلی، دو اتاق مستطیلی کشیده قرار داشته که به وسیله جرزهای قطور که تا اشکوب دوم ادامه پیدا کرده اند، نگه داشته شده است. از اشکوب دوم تنها آثار چهار جرز در چهار گوشه بنا باقی مانده، ولی احتمالاً نقشه ای مشابه بنای اشکوب اول داشته است. در قسمت جنوبی بنا نیز یک جرز بیرون زده دیده می شود که کاربرد آن هنوز مشخص نیست.

جدول ۹: مشخصات فضایی کوشک و مزرعه حاج علی داداشی (نگارندگان، ۱۳۹۵)

برج	موقعیت کوشک	هندسه غالب	جهت گیری	سطح اشغال	مساحت (m ²)		زیربنای کل (m ²)
					مزرعه	کوشک	
-	۲/۳ مرکز مزرعه	نسبتاً مستطیل	۴۹ درجه شمالی	۱/۸۱ درصد	۳۴۶۶	۶۴	۳۵۳۰



شکل ۱۰: نقشه هوایی و تصاویر کوشک و مزرعه حاج علی داداشی (نگارندگان، ۱۳۹۵)

ابعاد کالبدی
میراث کنشورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشکها.

یافته‌ها

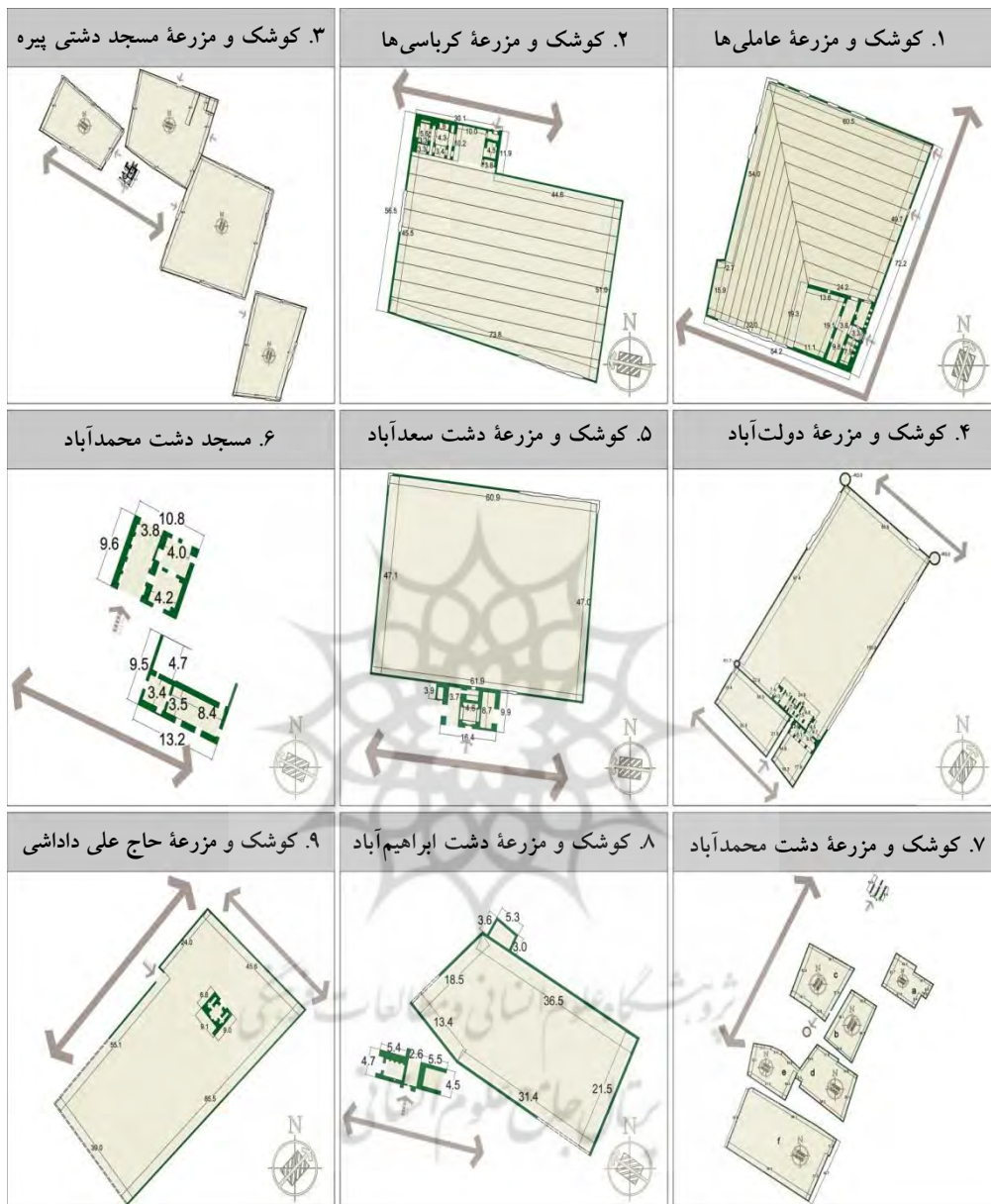
مطالعات و برداشت‌های میدانی انجام‌گرفته بر روی کوشک‌های زراعی، خصوصیات آن‌ها را از نظر محصوریت فضای اطراف، فرم و شکل مزرعه و نحوه آبیاری و همچنین معماری کوشک، جهت قرارگیری، کاربری، قدمت و وضع موجود آشکار می‌کند. یافته‌ها در جدول زیر درج شده‌اند.

جدول ۱۰: ویژگی‌های مشترک میان کوشک‌ها و مزارع برداشت‌شده (نگارندگان، ۱۳۹۵)

عوامل مؤثر	ارزیابی و تحلیل
محصوریت	اغلب مزارع رصدشده به‌غیر از مزرعه‌های پیره، عطارها و محمدآباد که به‌نظر عام‌المنفعه هستند، از محصوریت کاملی برخوردارند. و دلایل آن احتمالاً امنیت، محرمانه‌بودن، تملک شخصی و همچنین جلوگیری از ورود رمل به داخل مزرعه (به‌دلیل مجاورت تپه‌های شنی کویر با دشت) بوده است.
فرم مزرعه	هندسه غالب منطقه اغلب به‌صورت منظم (مربع‌مستطیل) بوده و موقعیت قرارگیری کوشک در هر مزرعه با توجه به میدان دید، فرم و همچنین کاربری، متفاوت است؛ برای مثال در مزارع داداشی، محمدآباد، عطارها، پیره و امام‌حسینی، کوشک در میان مزرعه مسلط بر مزرعه اطراف خود بوده، ولی در مزارع عاملی، کرباسی، سعدآباد و ابراهیم‌آباد، کوشک در گوشه‌ای از مزرعه قرار دارد و با قرارگیری کوشک بر روی صفا بر مزرعه مسلط است.
معماری کوشک	معماری کوشک‌ها بسته به کاربری، مالک، موقعیت، سطح اشغال و... متفاوت است. اما تعدادی از آن‌ها مانند پیره، عطارها، محمدآباد، ابراهیم‌آباد و داداشی شبیه هم‌اند. در ساخت این بناها از خشت و گل و چوب استفاده شده و روش‌ها، فرم‌ها و تزیینات اصیل معماری سنتی ایران به‌کارگرفته شده است و احتمالاً در نوع ساخت آن‌ها از ابنیه تاریخی شاخص منطقه الهام گرفته شده و توجه اصلی معمار در طراحی آن‌ها عنصر منظر بوده است.
آبیاری	نوع آبیاری این مزارع نه به‌طور قطع ولی با توجه به‌وجود آبروهای ورودی در هر مزرعه به‌جز مزرعه عطارها که آب‌انبار داشته، از قنوات موجود در منطقه بوده که به‌صورت فصلی تغذیه می‌شده است.
جهت‌گیری	در تمامی مزارع چرخش نسبت به محورهای اصلی وجود داشته و همه تقریباً رو به قبله‌اند که به‌دلیل اعتقادات و باورهای مردم منطقه، بسیار مورد اهمیت بوده است. همچنین این مسئله در سایه‌اندازی در قسمتی از مزرعه، برای استراحت کشاورزان در ساعاتی از روز مؤثر است.
کاربری	مزارع مورد مطالعه اغلب کاربری کشاورزی داشته‌اند، ولی اینکه بصورت باغ یا کشت بوته‌ای بوده است یا خیر، مشخص نیست. با توجه به مشاهدات میدانی تنها مزرعه‌ای که به‌نظر باغ بوده است، مزرعه عاملی می‌باشد (با توجه به حضور یک درخت پسته). و مزرعه عطارها تنها مزرعه‌ای می‌باشد که علاوه بر کار کشاورزی به دامداری نیز پرداخته می‌شده است.
قدمت	تاریخچه این مزارع را با توجه به فرم و عناصر معماری به‌کارگرفته‌شده در ساخت کوشک‌ها می‌توان بین دوره صفویه تا اواخر قاجار تخمین زد.
وضع موجود	تمامی مزارع مورد مطالعه در حال حاضر ویران شده‌اند و به‌غیر از مزارع کرباسی، عطارها، سعدآباد، داداشی که در فصولی از سال در آن‌ها کشت صورت می‌گیرد، بقیه مزارع بدون کاربری رها شده‌اند.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره ۱۷ (پایه ۱۷)
بایز و زمستان ۱۳۹۵





نتیجه‌گیری

کشاورزی از دیرباز در منطقه دشت کاشان مرسوم و از اهمیت فراوانی برخوردار بوده است. این موضوع به شکل‌گیری فعالیت‌های زراعی ادامه‌داری منجر شده است که ابعاد متفاوت ملموس و ناملموس را شامل می‌شود که شامل نحوه تعامل انسان با طبیعت برای تولید محصولات کشاورزی و از طریق فنون و سنت‌های محلی است. این موضوعات در ترکیب با هم نوعی از میراث کشاورزی

ابعاد کالبدی
میراث کشاورزی
دشت کاشان با
نگاهی به کوشک‌ها.

را پدید آورده‌اند. علاوه بر سامانه‌های شناخته‌شده‌ای مانند قنات، میراث کشاورزی در دشت کاشان و به‌خصوص منطقه مورد مطالعه آران و بیدگل شامل سامانه‌ای از بناهای مرتبط با زراعت است که ابعاد کالبدی میراث کشاورزی منطقه را تبیین می‌کنند. این بناها ضمن برآوردن امکان استقرار و سکونت در مزارع، بهره‌گیری از مناظر کشاورزی را نیز میسر می‌کرده است. پیمایش‌های میدانی نشان می‌دهد که گونه‌های متفاوتی از بناها و ساختارهای مرتبط با کشاورزی در دشت کاشان وجود دارد. دست‌کم دو گونه کلی بناهای مرتبط را می‌توان بازشناسی کرد که شامل کوشک‌های مجزا و بناهایی مشابه است که به بخشی از حصار مزرعه اتصال دارند. این گونه‌ها خود شامل انواع اشکالی از بناهای متصل به حصار و همچنین کوشک‌های مجزا می‌شوند. یکی از این گونه‌های مهم کوشک‌های زراعی هستند. این کوشک‌ها گاه در مزارع محصور و گاه در میان مزارع بدون حصار قرار می‌گیرند. درخصوص علل شکل‌گیری کوشک‌های زراعی موجود، به‌طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ اما به‌نظر می‌رسد بناهای و کوشک‌های درون مزارع محصور نقش سکونتی دائم یا موقت داشته‌اند و به‌خصوص کوشک‌های درون مزارع ممکن است به کوشک درون باغ‌ها شباهت داشته باشد. نمونه دیگر کوشک‌هایی هستند که بیرون مزارع قرار گرفته‌اند. به‌نظر می‌رسد این نمونه از کوشک‌ها بیش از سایر نمونه‌ها با مناظر کشاورزی حاصل از استقرار مزارع در دشت ارتباط دارند. این بناها تا اواخر دوره قاجار ساخته می‌شدند و امروزه بدون هیچ‌گونه کاربری به‌صورت ویرانه‌هایی در دشت باقی مانده‌اند. تخریب کامل آن‌ها دست‌کم فهم ابعاد کالبدی میراث کشاورزی منطقه را دشوار می‌کند. این امر نشان‌دهنده لزوم و اهمیت حفاظت از این بناهای ارزشمند و تاریخی است.

قدردانی

در پایان، از زحمات آقایان دکتر محمد مشهدی و مهندس متولی و همچنین خانم‌ها لیلا معمارزاده و سارا موسوی که در مراحل مختلف پژوهش ما را یاری کردند، قدردانی می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

1. Agrodiversity
2. Biodiversity
3. Cultural diversity

منابع

- ابن خردادبه، ۱۳۷۱، ممالک و مسالک، ترجمه فارسی قرن پنجم/ششم، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- آگوستین، برک، ۱۳۸۷، «منظر، مکان، تاریخ»، ترجمه مریم السادات منصوری، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ۸۱-۹۰.
- بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۴، «باغ صاحب‌آباد تبریز»، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، سال دوم، شماره چهارم، ۳-۱۲.
- بذرافشان، مهسا، ۱۳۹۳، «جایگاه میراث کشاورزی ایران در طرح GIAHS»، پیام سبز: ماهنامه بین‌المللی آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۱۵، خرداد- تیر ۱۳۹۳، ۲۹-۲۷.
- بهبودی، زهرا، ۱۳۹۳، «منظر ساتویاما: الگویی از توازن در رابطه انسان- محیط»، پیام سبز: ماهنامه بین‌المللی

- آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۱۵، خرداد- تیر ۱۳۹۳، ۳۶-۳۴.
- پازوکی طرودی، ناصر، ۱۳۳۷، *استحکامات دفاعی در ایران دوره اسلامی*، نشر سازمان میراث‌فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش.
- پرهیزی راد، آرمین، و آنوشا کیا، ۱۳۹۳، «کشاورز به‌عنوان ناظر سرزمین: نگاهی به مفهوم نظارت و رسیدگی در مناظر کشاورزی سنتی»، *پیام سبز؛ ماهنامه بین‌المللی آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی*، شماره ۱۱۵، خرداد- تیر ۱۳۹۳، ۱۱-۴.
- پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ، ۱۳۵۷، *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نشر ابوریحان.
- تیموری گرده، سعیده، و وحید حیدرنتاج، ۱۳۹۳، «نظرگاه عنصر اصلی تصویرشده از باغ در نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره ۳۰، سال یازدهم، ۲۶-۱۵.
- جمالی، فریماه سادات، ۱۳۹۳، «مروری بر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی حامی منظر کشاورزی»، *پیام سبز؛ ماهنامه بین‌المللی آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی*، شماره ۱۱۵، خرداد- تیر ۱۳۹۳، ۲۶-۱۸.
- حائری، محمدرضا، ۱۳۸۶، *قنات در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حناچی، پیروز، و فهیمه آرمان، ۱۳۹۲، «شناخت ساختار کالبدی قلعه روستای خورائق با رویکرد تأثیرپذیری از الگوهای رفتاری»، *فصلنامه مطالعات معماری ایران*، شماره ۴، ۸۶-۶۵.
- حیدری باباکمال، یدالله، و محمدابراهیم زارعی، ۱۳۹۳، «اهمیت قلاع و استحکامات دوره قاجار منطقه شهداد در برقراری امنیت اجتماعی حاشیه غربی کویر لوت»، *نشریه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، شماره ۶، دوره چهارم، ۲۱۱-۱۹۵.
- حیدرنتاج، وحید، و سید امیر منصوری، ۱۳۸۸، «نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی»، *نشریه باغ نظر*، شماره دوازده، سال ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ۳۰-۱۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، *لغت‌نامه*، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عمید، حسین، ۱۳۶۳، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کوه‌افکن، پروین، ۱۳۹۳، «میراث کشاورزی؛ بازتابی از تکامل جامعه انسانی در هماهنگی با طبیعت»، *پیام سبز؛ ماهنامه بین‌المللی آموزشی، پژوهشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی*، شماره ۱۱۵، خرداد- تیر ۱۳۹۳، ۱۷-۱۲.
- معین، محمد، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی معین*، نشر بهزاد، تهران.
- منصوری، سید امیر، و امین حبیبی، ۱۳۸۹، «تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط بررسی موردی رودخانه خشک شیراز»، *نشریه باغ نظر*، شماره پانزده، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ۷۸-۶۳.
- نراقی، حسن، ۱۳۴۵، *تاریخ اجتماعی کاشان*، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- نعیمی، آتری هاتف، ۱۳۸۹، *گونه‌شناسی قلاع مسکونی در ایران باززنده‌سازی قلعه مورچه خورت اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- نیلی، رعنا، ریحانه نیلی، و حسین سلطان‌زاده، ۱۳۹۱، «چگونگی بازتاب شاخصه‌های مناظر شفابخش در الگوی منظر باغ ایرانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*، شماره ۲۳، سال نهم، زمستان ۱۳۹۱، ۷۴-۶۵.